

بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری*

دکتر خشایار کاشانی جو**

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۰۵/۲۰

چکیده

در آستانه هزاره سوم فضاهای عمومی شهری به عنوان مکان سوم که نقشی اساسی در برقراری تعاملات اجتماعی ایفا می‌نمایند مورد توجه جدی قرار گرفته و به کانون تمرکز دانش - حرفه طراحی شهری بدل گردیده‌اند. در این میان، صاحب‌نظران گوناگون با رویکردهای متفاوتی این موضوع را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. پژوهش حاضر به منظور ارزیابی نظرات اصلی‌ترین و مطرح‌ترین متفکران مرتبط با فضاهای عمومی شهری به روش مطالعه اسنادی و با استفاده از منابع واجد ارزش در این عرصه انجام گرفته، ضمن بررسی متاخرترین ایده‌ها همچون نوشهرسازی و نوپیاده‌گرایی، این نظریه‌پردازان را در شش محور دسته بندی نموده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که گرچه دیدگاه‌های ارائه شده در ارتباط با این موضوع در بسیاری موارد واجد جنبه‌هایی مشترک بوده‌اند اما در دوران اخیر با تثبیت اهمیت نقش کالبدی و اجتماعی فضاهای عمومی شهری، تاکید بسیار بر رویکردهای پایداری، ایجاد امنیت و انسان مداری می‌باشد.

واژه های کلیدی

فضاهای عمومی شهری، شهر پایدار، مکان سوم، نوپیاده گرایی، نوشهرسازی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری خشایار کاشانی‌جو با عنوان؛ «تدوین اصول هم پیوندی بین حمل و نقل همگانی و فضاهای شهری پیاده مدار با رویکرد پایداری» است که در دانشکده هنر و معماری واحد علوم و تحقیقات ارائه گردیده است.

E-mail: kashanijou@gmail.com

** دکتری شهرسازی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرقدس

مقدمه

فضاهای شهری، مکان‌هایی هستند که به عموم شهروندان تعلق داشته، منحصر به جنبه کالبدی و فیزیکی نبوده و درحقیقت با حضور انسان و فعالیت اوست که معنا می‌یابند. فضاهای شهری قدمتی دیرینه در تاریخ شهرسازی داشته و در ادوار مختلف به اشکال گوناگون در شهرها حضور یافته و سبب شکل‌گیری بافت شهری در پیرامون و یا بر حول محور خود گردیده‌اند. اما پس از اواخر قرن ۱۹ و پس از حضور اتومبیل در عرصه شهرها، فضاهای عمومی به یکباره عمده کارکرد گذشته خویش را از دست داده و چالش‌ها و مفاهیم جدیدی مطرح گردیدند. در عین حال که از حدود سه دهه پیش و با گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات و افزایش تقاضای عمومی، کیفیت بخشی به فضاهای شهری از یک راهکار به ضرورتی انکارناپذیر بدل گردیده است. هدف از این نوشتار، بررسی مهمترین رویکردهای نظری در ارتباط با فضاهای شهری از انقلاب صنعتی تاکنون و ارزیابی روند تحولات انجام گرفته در این زمینه می‌باشد. بدین منظور، پس از بیان مختصری پیرامون روش و چارچوب نظری پژوهش، نظریه پردازان گوناگون به تفکیک ایده‌های مشابه دسته‌بندی و مورد بررسی قرار گرفته و در انتها نتایج تحلیل گردیده‌اند.

روش تحقیق

با توجه به نظری بودن موضوع پژوهش، روش تحقیق بصورت اسنادی و بررسی متون بوده و عمده‌ترین منابع مورد استفاده کتابها و مجلات تخصصی، طرح‌های پژوهشی مرتبط و استفاده از شبکه جهانی اطلاع‌رسانی می‌باشد. در عین حال که درجهت دسته‌بندی نظریه‌پردازان مختلف پس از مرحله جمع‌آوری اطلاعات، روش تحلیل مقایسه‌ای به کار گرفته شده است. سرانجام اینکه با توجه به ماهیت داده‌های تحقیق، شیوه پژوهش کیفی خواهد بود.

با مروری بر ادبیات تخصصی مرتبط با فضاهای عمومی شهری مشخص می‌گردد که بدلیل گستردگی موضوع و عوامل گوناگون اثرگذار و تاثیرپذیر از آن نقطه نظرات بسیار متنوع (چه بصورت مستقیم و چه باواسطه) و در عین حال متفاوت و گاه متضادی توسط متفکران مسائل شهری ارائه گردیده است. از این رو، دسته‌بندی نظریات مختلف در ابتدا نیازمند تعیین رویکردهای کلی و سپس تقسیم‌بندی صاحب‌نظران براساس حداقل میزانی از مشابهت ایده‌ها در آنهاست. بر همین اساس و با توجه به مطالعات انجام گرفته به نظر می‌رسد که می‌توان عمده‌ترین ایده‌پردازان فضاهای عمومی شهری را بر مبنای دیدگاه‌هایشان در شش گروه؛ با ملاحظات زیست محیطی و پایداری، با تاکید بر ادراک فضایی و بصری، با رویکرد تقویت تعاملات اجتماعی، با تاکید بر گسترش پیاده‌مداری، با رویکرد ایجاد امنیت و انسان‌مداری در فضای شهری و با ملاحظات محیطی - رفتاری تقسیم بندی نمود. در این میان، گرچه ممکن است هریک از صاحب‌نظران از چند منظر به موضوع پرداخته باشند اما با توجه به محور اصلی تفکراتشان تنها در یک گروه قرار گرفته‌اند.

صاحب‌نظران با ملاحظات پایداری و محیط زیستی

ازجمله اولین صاحب‌نظران که به مسائل زیست محیطی در فضاهای شهری توجه نشان داده بود، سرگئی چرمایف می‌باشد. در نظر او اتومبیل شخصی عامل تباهی زندگی انسانی است. او عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی را در شش دسته تقسیم‌بندی نمود: فضاهای همگانی شهری (شاهراه‌ها، پارک‌های شهری)، فضاهای نیمه همگانی شهری (ساختمان شهرداری، پایانه مسافری، پارکینگ‌ها)، فضاهای همگانی ویژه، فضاهای خصوصی ویژه (باغ‌های همگانی، انبار)، فضاهای خصوصی خانواده، فضاهای خصوصی فرد (چرمایف، ۱۳۷۶، ۱۵۸-۱۵۵). چرمایف معتقد بود که باید تا آنجا که ممکن است مردم را به استفاده نکردن از

خودروی شخصی ترغیب نمود. و بهترین راهکار این امر را در اختیار قرار دادن وسیله حمل و نقل همگانی رایگان می‌دانست. او حتی پیشنهاد استفاده از دوچرخه کرایه‌ای را برای فضاهای متراکم داخل شهرها ارائه نمود. پس از طرح رویکرد توسعه پایدار در اوایل دهه ۱۹۹۰، نظریه‌پردازان مختلفی بر روی جنبه‌های گوناگون آن تمرکز نمودند. از جمله گراهام هاگتون و کولین هانتز در کتاب *شهرهای پایدار* بر ارتباطات سازنده میان ساختمان‌ها، مسیرها و فضاهای باز و به عبارت دیگر یکپارچگی بین طراحی در مقیاس تک بنا و طراحی شهری بعنوان عامل ایجاد پایداری تاکید نمودند. هوگ بارتون در کتاب خود با نام *سکونتگاه‌های پایدار؛ راهنمایی برای برنامه‌ریزان، طراحان و توسعه‌گران* به ویژگی‌هایی که زیستگاه‌های انسانی را پایدار می‌نمایند اشاره می‌کند و از جمله وجود شبکه فضاهای باز را برای مدیریت آلودگی، حیات وحش، انرژی، آب، فاضلاب و نیز افزایش ایجاد فضای سبز محلی ضروری برمی‌شمارد. ریچارد راجرز دیگر صاحب‌نظر با گرایش پایداری است که در اثر خود تحت عنوان *شهرهایی برای یک سیاره کوچک*، عرصه عمومی را بعنوان عامل مشوق اجتماعی و تحرک در شهرها معرفی می‌نماید. زیرا که اعتقاد دارد یک شهر پایدار باید دارای مشخصه‌هایی چون عدالت، زیبایی، خلاقیت، بوم‌شناسی، فشرده‌گی و چندمرکزی، تنوع و درنهایت ارتباطات آسان باشد که اطلاعات هم بصورت چهره به چهره و هم الکترونیکی مبادله شود (Carmona et al., 2003, 43) در جدول ۱، مشخصات مهمترین صاحب‌نظران با ملاحظات پایداری و محیط زیستی نمایش داده شده است.

مأخذ: نگارنده

جدول ۱- صاحب‌نظران با ملاحظات پایداری و محیط زیستی

ردیف	نظریه پرداز	سال	عنوان متن / نظریه	مفاهیم کلیدی
۱	سرگنی چرمایف	۱۹۶۴	عرصه های زندگی جمعی و زندگی خصوصی	توجه به عوامل تهدید محیط زیست انسانی در شهرها
۲	گراهام هاگتون کولین هانتز	۱۹۹۴	شهرهای پایدار	ارتباطات سازنده میان ساختمان‌ها، مسیرها و فضاهای باز
۳	هوگ بارتون	۱۹۹۶	سکونتگاه‌های پایدار؛ راهنمایی برای برنامه ریزان، طراحان و توسعه گران	شبکه فضای باز برای مدیریت آلودگی و افزایش فضای سبز محلی
۴	ریچارد راجرز	۱۹۹۷	شهرهایی برای یک سیاره کوچک	عرصه عمومی مشوق اجتماعی و عامل تحرک

صاحب‌نظران با تاکید بر ادراک فضایی و بصری

کامپلوسیت از جمله صاحب‌نظرانی است که به مسائل زیبایی شناختی شهری توجهی ویژه داشته و در اواخر قرن نوزدهم و هنگامیکه هنوز حضور اتومبیل در شهرها آنچنان گسترش نیافته بود بر تداوم بصری حرکت پیاده در فضاهای شهری که سبب افزایش ادراک فضایی می‌گردد، تاکید نموده است.

نظریه دیدهای متوالی^۱ گوردون کالن در واقع تاکید بر ادراک فضایی و بصری در فضاهای شهری است. به باور او شهر مجموعه‌ای است که می‌توان در آن حرکت کرد و بصورت «تباین پیوسته مناظر» آن را ادراک نمود؛ نه به صورت تصویری ثابت. (Gosling, 1966, 43) کالن به این نکته اشاره داشت که برای آن که مردم از حرکت در شهر و نگاه کردن به آن لذت ببرند، باید با اولویت دادن به پیاده‌روها و پیوستگی آن‌ها، شهر را برای حرکت پیاده، آماده نمود. به اعتقاد او در حالی که شریان‌های سواره، هویت فردی را از بین می‌برند، وجود شبکه‌ای اندیشیده از راه‌های پیاده، الگویی انسانی بوجود می‌آورد (Cullen, 1961, 54). کالن

با این باور که محیط شهری می‌باید تجربه لذت بخشی برای همگان باشد، در طرح‌های خود بر اهمیت انسان و حضور او در فضاهای شهری تأکید می‌کرد.

راب کریپر و آلدو روسی نیز با توجه به پیش زمینه‌های حرفه‌ای خود بیشتر بر جنبه‌های معماری شهری تأکید داشته و به عرصه‌های عمومی از منظر کالبدی و فضایی توجه نموده اند. کریپر ضمن انتقاد از سازماندهی شهرهای مدرن که به ایجاد فضاهای شهری در مقیاس پیاده بی‌توجه بوده اند، راه حل را بازگشت به انتظام گذشته شهرها و اصالت‌های دیرین میدان و خیابان می‌داند. روسی در اثر خود تحت عنوان معماری شهر به صراحت شهر را یک اثر هنری و فضاهای شهری را نیز همچون مصنوعات هنری معرفی می‌نماید.

کریستوفر الکساندر با طرح موضوع ۷ مرحله یا قاعده رشد (رشد تدریجی، رشد کل‌های بزرگ تر، آینده نگری، فضاهای شهری مثبت، تعیین طرح ابنیه بزرگ، انعکاس جوانب ساختمانی در نمای ابنیه، شکل‌گیری مراکز اصلی و فرعی) به ابعاد کالبدی و رشد تدریجی و نظم غیرهندسی فضاهای شهری اشاره می‌نماید. محور اصلی در مطالعات کلیف ماتین و همکارانش طراحی شهری است. و عرصه عمومی را به عنوان قلمروی اصلی این دانش - حرفه معرفی می‌نماید. ماتین طراحی شهری را "مطالعه طرح عرصه عمومی شهر که خیابان‌ها، بلوارها، میدان‌ها، پارک‌های شهر را به همراه نماهای ساختمان‌هایی که آن فضاها را تعریف می‌نمایند" (کلیف، ۱۳۸۷، ۱۱) معرفی می‌کند.

از میان صاحب‌نظران ایرانی، علی مدنی پور برجسته‌ترین فردی است که عمده پژوهش‌های خود را بر روی فضاهای شهری متمرکز نموده است. کتاب طراحی فضاهای شهری وی در حال حاضر یکی از مراجع اصلی در این زمینه در سطح جهانی است که درصدد ارائه تصویری مناسب از فعالیت میان رشته‌ای طراحی شهری و نیز ابعاد فیزیکی، اجتماعی و مکانی فضاهایی است که به کمک آن شکل می‌گیرند. جهان‌شاه پاکزاد دیگر نظریه پرداز ایرانی است که بویژه از دیدگاه طراحی شهری و در اثر خود تحت عنوان راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران به معرفی انواع فضاهای شهری و اجزای کالبدی تشکیل دهنده آن‌ها و تبیین اصول طراحی هریک با رویکردی بومی پرداخته است. وی فضاهای شهری را در ۲۴ گروه مشتمل بر ورودی‌ها از مقیاس محله تا شهر، گره ها، انواع میدان‌ها، انواع خیابان‌ها و گذرها، لبه‌های آب و انواع پله‌ها مورد بررسی و ارزیابی قرار داده و به ویژه با توجه به شرایط شهرهای ایران سیاست‌گذاری و ضوابط طراحی هریک را ارائه نموده است. در جدول ۲، اصلی‌ترین ایده پردازان با تأکید بر ادراک فضایی و بصری دسته‌بندی گردیده‌اند.

مأخذ: نگارنده

جدول ۲- صاحب‌نظران با تأکید بر ادراک فضایی و بصری

ردیف	نظریه پرداز	سال	عنوان متن / نظریه	مفاهیم کلیدی
۱	کامیلوسیت	۱۸۸۹	زیبایی بصری در شهرها	تداوم بصری در حرکت پیاده
۲	گوردون کالن	۱۹۶۱	منظر شهری	توجه به دیدهای متوالی عابر پیاده در طراحی فضاهای شهری
۳	راب کریپر	۱۹۷۵	فضای شهری	توجه به عناصر و جنبه‌های کالبدی عرصه عمومی شهر
۴	آلدو روسی	۱۹۸۲	معماری شهر	توجه به جنبه‌های کالبدی و عرصه عمومی شهر
۵	کریستوفر الکساندر	۱۹۸۷	تئوری جدید طراحی شهری	رشد تدریجی و نظم غیرهندسی فضاهای شهری
۶	کلیف ماتین	۱۹۹۹	طراحی شهری: خیابان‌ها و میدان	معرفی عناصر اصلی طراحی شهری با تأکید بر نقش خیابان و میدان در شهر
۷	علی مدنی پور	۲۰۰۰	طراحی فضای شهری	بازشناخت طراحی شهری با نگرشی بر فرآیند اجتماعی - مکانی فضای شهری
۸	جهان‌شاه پاکزاد	۲۰۰۵	راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران	معرفی انواع فضاهای شهری و تبیین اصول طراحی هریک با رویکردی بومی

صاحبنظران با رویکرد تقویت تعاملات اجتماعی

یکی از نظریه‌پردازان عرصه عمومی حنا آرنت می‌باشد که کتاب شرایط انسانی را در سال ۱۹۵۸ تالیف نموده است. او، مشوق برون‌نگری و زندگی سیاسی و اجتماعی است که در آن قلمرو عمومی نقش اصلی را بازی می‌کند. آرنت فضا را در دو معنا؛ فضای حضور در میان دیگران و فضای مابین دیگران تحلیل کرده تا درکی جامع از قلمروی عمومی سیاست و همین‌طور فضای عمومی کالبدی شهر فراهم کرده باشد. هماهنگی مردم و اشیا در تحلیل و پذیرش این مطلب که روابط اجتماعی به واسطه اشیا شکل می‌گیرد، نکته کلیدی است که در تحلیل آرنت درباره فضای عمومی آمده است (مدنی پور، ۱۳۸۷، ۱۹۸).

تمرکز اصلی در مطالعات پاول زوکر پیرامون فضاهای شهری میدان است. از نظر او، میدان همچون توقفگاهی روانی^۲ در منظر شهری و محلی است که تعاملات اجتماعی افراد را در خود جای می‌دهد. در عین حال، زوکر طراحی فضاهای شهری را تنها محدود به ابعاد شکلی و زیبایی بصری ندانسته و بر جنبه‌های اجتماعی و فعالیت‌های جاری در فضا به شدت تاکید می‌نماید. همچنین، زوکر معتقد بود که فضا به کمک تجربه حرکت انسان درون آن، ادراک می‌شود (Zucker, 1970, 6).

جین جیکوبز روزنامه نگار و صاحب‌نظر برجسته مسائل شهری در کتاب *مرگ و حیات شهرهای بزرگ آمریکایی* بر نقش فضاهای عمومی شهری در ایجاد تعاملات اجتماعی تاکید می‌نماید. به باور او آنچه از یک شهر بیشتر به ذهن می‌ماند فضاهای عمومی شهر بویژه خیابان‌ها و پیاده‌روهای آن می‌باشند. جیکوبز اشاره می‌کند که افزایش نشست و برخاست و امنیت پیاده‌رو تأثیر وارونه‌ای بر جدایی و تبعیض نژادی دارد (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۱۳۵). بنابراین، پیاده‌روها باید سر زنده باشند برای آن که بتوانند ساکنان بیشتری را به خود جلب کنند (Jacobs, 1993, 32). همچنین، از نظر او برای سرزنده نگهداشتن خیابان باید اندازه خاصی عابر، در پیاده‌روهای آن حضور داشته باشد و البته تراکم بالا را به تنهایی برای سرزندگی کافی نمی‌داند.

دیگر نظریه‌پرداز برجسته ای که البته بدون اینکه معمار یا شهرساز باشد در حوزه مسائل اجتماعی و رفتارشناسی در فضاهای شهری تأثیرگذار بوده، ویلیام وایت می‌باشد. در نظر او رفتار مردم در فضاهای شهری بصورتی عجیب غیرقابل پیش‌بینی است و آنچه بیش از هر عامل دیگری مردم را به خود جذب می‌نماید حضور سایر افراد در فضا است.

یان گل، معمار و شهرساز دانمارکی است که محور اصلی پژوهش‌های خود را بر روی تعامل مسائل جامعه‌شناسی و روانشناسی با فضاهای همگانی شهری متمرکز نموده و از دهه ۱۹۷۰ در طول در حدود سه دهه بیش از چندین کتاب در این ارتباط تالیف نموده است. به باور او جذابیت یک شهر را می‌توان با توجه به انبوه مردمی که در فضاهای همگانی آن گرد می‌آیند و وقت خودشان را در آن جا می‌گذرانند، شناسایی کرد (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۴۳۷). اگرچه گل مخالف جداسازی کامل آمد و شد سواره و پیاده است اما شهر با آمد و شد آرام را همچون شهر زنده‌ای معرفی می‌کند که در آن، شمار افراد بیشتری از فضاهای همگانی استفاده می‌کنند و بودن در فضا، زمان بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد؛ از این‌رو احتمال حضور افراد نیز در فضاهای میان ساختمان‌ها در هر برش زمانی افزایش می‌یابد (Gehl, 1987, 79). گل در کتاب *زندگی در میان ساختمان‌ها* انواع فعالیت‌های انسان در فضاهای همگانی را به سه گروه عمده تقسیم بندی نموده است: فعالیت‌های ضروری - کارکردی، فعالیت‌های گزینشی - تفریحی و فعالیت‌های اجتماعی.

اولدنبرگ در کتاب خود مکان خیلی خوب: کافه‌ها، کافی‌شاپ‌ها، فروشگاه‌های کتاب، بارها، سالن‌های آرایش و سایر پاتوق‌ها در قلب یک اجتماع این نظریه مرکزی را طرح می‌نماید که زندگی روزانه برای آسوده و رضایتبخش بودن باید تعادلش را در سه قلمرو تجربه‌ای؛ سکوتی، کاری و اجتماعی پیدا نماید. او با تبیین اصطلاح مکان سوم^۳ بر فضاهای عمومی شهری و نقشی که با نزدیک شدن مکان‌های اول و دوم (قلمروهای خانه و کار) به یکدیگر می‌توانند به عنوان عامل اصلی هویت بخشی به یک شهر ایفا نمایند، تاکید می‌نماید. اولدنبرگ بحث می‌کند که از آنجا که انتظارات از خانواده و کار در ورای گنجایش آن نهادها برای برآورده

نمودن آنها گسترش یافته است مردم آزاد کردن و تحریکی را که قلمروهای اجتماعی تر می‌توانند فراهم کنند، نیاز دارند (Carmona et al., 2003, 112).

تاکید اصلی کلر کوپر مارکوس، فضاهای شهری و مردمی که در آن قرار دارند، می‌باشد. در کتاب مکان‌های مردمی، او و همکارانش به ارزیابی محیط سکونت می‌پردازند و فضا های شهری را به ویژه از منظر ایجاد ارتباطات اجتماعی در ۷ گروه دسته‌بندی می‌کنند؛ پلازاهای شهری، پارک های محله‌ای (واحد های همسایگی)، پارک های جمع و جور، فضاهای باز مدارس، فضای باز مسکونی ویژه سالمندان، فضاهای باز ویژه نگهداری و بازی کودکان، فضاهای باز درمانی (بیمارستان‌ها) (رضایی، ۱۳۸۳، ۵۸). در جدول ۳، مشخصات مهمترین صاحب نظران با رویکرد تقویت تعاملات اجتماعی جمع بندی شده است.

جدول ۳- صاحب نظران با رویکرد تقویت تعاملات اجتماعی مأخذ: نگارنده

ردیف	نظریه پرداز	سال	عنوان متن / نظریه	مفاهیم کلیدی
۱	حنا آرنه	۱۹۵۸	شرایط انسانی	قلمرو عمومی عامل اصلی برون‌گری و زندگی سیاسی و عمومی
۲	پاول زوکر	۱۹۵۹	شهر و میدان	میدان عامل تبدیل جامعه به اجتماع نه صرفاً محل تجمع از افراد
۳	جین جیکوبز	۱۹۶۱	مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی	پیاده روها عامل ایجاد امنیت و تقویت تعاملات اجتماعی
۴	ویلیام وایت	۱۹۸۰	زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک	تاکید بر نقش اجتماعی فضاهای شهری
۵	یان گل	۱۹۸۷	زندگی در میان ساختمان‌ها	سه گروه فعالیت در فضای شهری؛ ضروری، انتخابی، اجتماعی
۶	اولدنبگ	۱۹۸۹	مکان خوب؛ کافه‌ها، کافی‌شاپ‌ها و دیگر پاتوق‌ها در قلب یک اجتماع	تاکید بر عرصه‌های عمومی شهر بعنوان مکان سوم (خانه و محل کار؛ مکان اول و دوم)
۷	کلر کوپر مارکوس	۱۹۹۰	مکان‌های مردمی	ارزیابی محیط سکونت و معرفی فضاهای شهری هفتگانه

نظریه پردازان با تاکید بر حرکت و گسترش پیاده‌مداری در فضای شهری

نظریه شهر صنعتی تونی گارنیه که در ابتدای قرن بیستم ارائه شد جزو اولین طرح‌ها پس از انقلاب صنعتی است که به عبارتی پیاده توجه نشان داده است. براساس پیشنهاد گارنیه حداقل نیمی از زمینهای بخش مسکونی می‌بایست به فضای سبز اختصاص داده شوند، شبکه پیاده‌روها از داخل این فضاهای سبز عبور می‌کند و در تمامی سطح شهر پخش می‌شود. گارنیه با خیابان‌های دالانی مخالفت کرده و بر تامین آفتاب و هوای کافی برای ساختمان‌ها و همچنین حفاظت آب و هوایی پیاده‌ها تاکید نمود (اوستروفسکی، ۱۳۷۱، ۴۷).

اشپرای رگن دیگر صاحب نظری است که در اواسط دهه ۱۹۶۰ بر نقش حرکت پیاده در فضاهای شهری تاکید داشته است. تمرکز اصلی رگن بر روی طراحی شهری است. از نظر او فضای شهری محل تمرکز فعالیت‌ها است. و اینکه با ایجاد فضای باز بصورت عامل مکمل می‌توان از سختی و رسمی بودن فضاهای شهری کاست. او همچنین از پیاده‌روی بعنوان معیار مقیاس مناسب در طراحی شهری و ایجاد کننده بیشترین سطح تماس با یک مکان که برای هرگونه قرارگاه انسانی بسیار ضروری است نام می‌برد (Speiregen, 1960, 72).

دیگر نظریه پرداز دهه ۱۹۷۰، لارنس هالپرین می‌باشد که دغدغه اصلی او تنظیم موزون انواع حرکت‌ها در شهر است. او پویایی و تکاپوی زندگی شهری را وابسته به ساختار حرکتی آن معرفی می‌نماید و در این میان، تنها حرکت را به شکل انسانی (سواره یا پیاده) منحصر ندانسته و حتی جابجایی پرندگان و حیوانات و تغییر فصول را نیز موثر می‌داند. هالپرین معتقد به ضرورت حذف

خودرو و جایگزینی و گسترش سامانه حمل و نقل همگانی تندرو و راحت بوده و بر استفاده از ترازهای ارتفاعی مختلف جهت متمایز کردن سرعت‌های متفاوت (همانند ایده تقاطع ناهمسطح اوژن انارد)، کیفیت بی بدیل حرکت پیاده و تاثیر کفسازی بر آن تاکید می‌نماید. او همچنین با اشاره به بعد سوم شهر، از تغییر ارتفاع در سطح بعنوان عامل کیفیت بخشی به تجربه پیاده‌روی نام می‌برد (Halprin, 1972, 116). وی در بررسی سلسله مراتب فضاهای باز شهری ابتدا به خیابان، سپس میدان‌های کوچک در مقیاس محله و پارک‌های محلی و در نهایت فضای باز روی بام اشاره می‌کند.

ادموند بیکن صاحب‌نظر برجسته مسائل شهری است که اثر مشهور او با نام *طراحی شهرها* کماکان یکی از منابع قابل اتکا و کاربردی می‌باشد. تمرکز اصلی بیکن بر بازشناخت ساختار شهرها و *نظام‌های حرکتی* است. به باور او، تنها با حرکت پیوسته در فضا است که می‌توان آن را تجربه نمود و چنین تجربه‌ای تنها دیداری نبوده بلکه برای ادراک فضا، تمام اندام‌های حسی و احساسات انسان درگیر می‌شوند. توجه اصلی بیکن بر *فضاست*. و از نظر وی توده و فضا دو عنصر اصلی معماری هستند و جوهر طراحی، پیوند دوسویه این دو است (بیکن، ۱۳۷۶، ۱۵). بیکن در تبیین مفهوم نظام‌های حرکتی شهر، به عنوان گذرگاه یا مسیرهایی که شهروندان در آن آمد و شد می‌کنند، توجه به سه مفهوم رابطه توده و فضا، تداوم تجربه و تداوم‌های هم زمان (به معنای تداوم تجربه فضا بر پایه زنجیره‌ای از نظام‌های حرکتی دید با سرعت‌ها و شیوه‌های گوناگون که هریک با بقیه، پیوندی دو سویه دارد) را ضروری می‌دانست. به نظر او، طراح شهری باید به طور هم هنگام، سرعت‌های مختلف حرکت مؤثر بر ادراک را در نظر داشته باشد و فرم‌هایی پدید آورد که برای رانندگان، همان اندازه خشنود کننده باشد که برای عابران (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۴۰۶).

بیل هیلیر صاحب‌نظر متاخر است که بر ارتباط میان وضعیت فضایی و حرکت و تحلیل شبکه‌های عمومی که می‌تواند به نتایج کاربردی در طراحی مناسب تر فضای شهری بینجامد، توجه بسیار نشان داده است. از نظر او حضور مردم احساس ایمنی در فضای عمومی را افزایش داده و ابزارهای اولیه‌ای را که بوسیله آن‌ها یک فضا بصورت طبیعی مراقبت می‌گردد را فراهم می‌نماید. هیلیر بیش از همه به خاطر فعالیت‌هایش در زمینه معرفی و گسترش سامانه تحلیل چیدمان فضا شناخته شده است. این سامانه روشی است که "به صورتی گسترده رابطه میان حرکت عمدتاً پیاده و وضعیت فضای شهری و همچنین ارتباط میان تراکم‌های پیاده و کاربری‌های زمین را آشکار کرده و مستند نموده است" (Carmona et al., 2003, 171). این روش بر ارزیابی ارتباطات و پیوستگی خیابان‌ها از طریق آزمون ویژگی‌های شبکه و خطوط دید متمرکز گردیده است. همان‌گونه که هیلیر اشاره می‌نماید: "اگر طراحی شبکه فرامحلی باشد (بدین معنا که به خوبی در آن پیوستگی وجود نداشته باشد)، الگوی حرکت طبیعی از هم گسیخته گردیده و فضا به بی استفاده‌گی متمایل می‌شود." (Hillier, 1996, 161). از این رو، یک تضاد پایه‌ای میان راهبردهای طراحی که حضور مردم را تشویق می‌نمایند و چشم‌های بر روی خیابان که ایمنی مردم و دارایی‌ها را تضمین می‌نماید با راهبردهای طراحی محدودکننده دسترسی و نفوذپذیری که ایمنی مردم و دارایی‌ها را در داخل نواحی تعریف شده تامین می‌نمایند، وجود دارد. درحالی که هر دو ایده مزیت‌ها و کاربردهای خود را دارند، موضوع تعیین‌کننده به تراکم حرکت عابر پیاده مربوط می‌باشد.

مایکل. ای. آرث، هنرمند، طراح منظر / خانه / شهری، آینده‌نگر و نویسنده معاصر یکی از جدیدترین ایده‌های مرتبط با حرکت پیاده در فضاهای شهری را پیشنهاد داده است. نظریه او موسوم به *نویپاده‌گرایی*^۵ که در سال ۱۹۹۹ ارائه گردید، یک دگرگونی آرمان‌گرایانه‌تر از نوشهرسازی در نظام موجود برنامه‌ریزی شهری است. نویپاده‌گرایی مشکلات همراه با نوشهرسازی را معرفی کرده و کوششی در جهت حل مسائل گوناگون اجتماعی، بهداشتی، انرژی، اقتصادی، زیبایی‌شناختی و زیست محیطی با تمرکز ویژه بر کاهش نقش اتومبیل می‌باشد. یک محله یا شهرک جدید که از نو پیاده‌گرایی استفاده می‌کند، یک دهکده پیاده^۶ نامیده می‌شود. دهکده‌های پیاده می‌توانند در طیفی از تقریباً عاری از اتومبیل تا امکان دسترسی پستی تقریباً هر خانه و محل کار متغیر باشند، اما

مسیرهای عبوری پیاده‌ها همیشه در جلو هستند. با حذف خیابان سواره جلویی و جایگزینی آن با یک مسیر عبوری درختکاری شده خطی پیاده در واقع بر سفرهای جایگزین با تأثیرات کم همچون پیاده‌روی و دوچرخه سواری تأکید گردیده است. در سال ۲۰۰۵، آرث نویپاده‌گرایی را بعنوان بخشی از راه حل بازسازی نیوورلثان پیشنهاد نمود. (<http://en.wikipedia.org>) در جدول ۴، ایده‌های مهمترین نظریه پردازان با تأکید بر حرکت در فضای شهری و گسترش پیاده مداری نمایش داده شده است.

جدول ۴- نظریه پردازان با تأکید بر حرکت در فضای شهری و گسترش پیاده مداری مأخذ: نگارنده

ردیف	نظریه پرداز	سال	عنوان متن / نظریه	مفاهیم کلیدی
۱	تونی گارنیه	۱۹۱۷	شهر صنعتی	حفاظت آب و هوایی پیاده‌ها، عبور پیاده‌ها از درون فضاهای سبز
۲	اشپرای رگن	۱۹۶۰	معماری شهرها و شهرک‌ها	پیاده روی ایجادکننده بیشترین سطح تماس با یک مکان شهری
۳	لارنس هالپرین	۱۹۶۸	نیویورک؛ مطالعه ای بر کیفیت، شخصیت ویژه و معنای فضای باز در طراحی شهری	اولویت حرکت پیاده در فضای شهری، افزایش کیفیت پیاده روی
۴	ادموند بیکن	۱۹۶۸	طراحی شهرها	نظام های حرکتی عامل پیوند دهنده کل شهر، حرکت پیوسته عامل تجربه فضا
۵	هیلبیر	۱۹۹۶	تحلیل چیدمان فضا	ارتباط میان حرکت (عمدتا پیاده) و وضعیت فضاهای شهری
۶	مایکل ای آرث	۱۹۹۹	نویپاده‌گرایی	تمرکز بر کاهش یا حذف اتومبیل در فضاهای شهری

صاحب‌نظران با رویکرد ایجاد امنیت و انسان مداری در فضای شهری

لوییس مامفورد را که به گفته خود در واقع بسط دهنده ایده‌های پاتریک گدس بود را می‌توان جزو اولین نظریه پردازانی دانست که در نیمه اول قرن بیستم بر ایجاد امنیت، حس مکان و مقیاس انسانی در فضاهای شهری توجه نمود. او در کتاب فرهنگ شهرها از شهر بعنوان مکان تبلور فرهنگ و دفاع از انسان در مقابل اتومبیل نام برده و به تنوع و اختلاط کاربریها در فضای شهری و اولویت حرکت پیاده بر سواره در محیط شهری اشاره کرده است.

فرانسیس تیبالدز، معمار و رییس پیشین انجمن سلطنتی شهرسازان انگلیس در کتاب ارزشمند خود *شهرسازی شهروندگرا* ضمن پرداختن به مباحث گوناگون و با استفاده از اسکیس‌های بسیار هنرمندانه، ارتقای عرصه‌های همگانی در شهرها و توجه به مقیاس انسانی در محیط‌های شهری را مورد تأکید قرار داده است. به باور تیبالدز، درس آموزی از گذشته، ادغام کاربری‌ها و فعالیت‌ها، آزادی عابران پیاده، قابلیت دسترسی برای همگان، ایجاد وضوح و محیط‌های ماندگار، کنترل و ترکیب روش‌ها (*تیبالدز، ۱۳۸۳، ۹*) از دیگر اصول و معیارهایی هستند که با به کارگیری آنها می‌توان کیفیت قلمروهای عمومی شهرهای معاصر را افزایش داد.

آندره دوآنی، الیزابت پلاتر زیبرگ و پیتر کتز، گروهی از معماران و شهرسازان آمریکایی بودند که نگرانی آنها از زوال مراکز شهری، گسترش پراکنده جوامع محلی و تسلط اتومبیل بر فضای شهرها سبب گردید که جنبش نوشهرسازی را در ابتدای دهه ۱۹۹۰ پایه‌گذاری نمایند. از قابلیت پیاده روی، ارتباط پذیری، کاربری مختلط و متنوع، مسکن ترکیبی، معماری و طراحی شهری با کیفیت، بازگشت به ساختار محلات سنتی، تراکم افزایش یافته، حمل و نقل هوشمند، پایداری و کیفیت زندگی بعنوان اصول دهگانه نوشهرسازی نام برده شده است (<http://www.newurbanism.org>). در واقع، نوشهرسازی را شاید بتوان واکنشی به دوران نوگرایی در عرصه شهرسازی و حاکمیت بلامنازع خودروی شخصی در شهرها دانست. طرفداران این نظریه که آن را می‌توان یک بسته طراحی شهری دانست بر این باور هستند که باید با بهره‌گیری از اصول طراحی محلات سنتی، فضاهای شهری جدید را به صورتی کارا و پایدار و کاملا هماهنگ با مقیاس انسانی طراحی کرد.

ال زلینکا و دین برنان دیگر ایده پردازانی هستند که در آستانه هزاره سوم و در کتاب *منظر ایمن: ایجاد اجتماعات ایمن تر قابل زیست تر از طریق برنامه ریزی و طراحی*، منظرسازی ایمن را به عنوان طراحی فضاهای عمومی در جهت ارتقاء ادراکات ایمنی و کاهش جرم و ترس از جرم تعریف می کنند (APA, 2004, 2). آن‌ها در این نوشتار شماری از اصول طراحی را در جهت حفاظت کردن از فضاهای عمومی ایمن ارائه می دهند. بیشترین این اصول بصورت مستقیم برای طراحی تحرک گرا به ویژه با توجه به عابران پیاده کاربردی هستند. مشخصات اصلی ترین صاحب نظران با رویکرد ایجاد امنیت و انسان مداری در فضای شهری در جدول ۵ ارائه گردیده است.

مأخذ: نگارنده

جدول ۵- صاحب نظران با رویکرد ایجاد امنیت و انسان مداری در فضای شهری

ردیف	نظریه پرداز	سال	عنوان متن / نظریه	مفاهیم کلیدی
۱	لوییس مامفورد	۱۹۳۸	فرهنگ شهرها	شهر مکان تبلور فرهنگ و دفاع از انسان در مقابل اتومبیل
۲	فرانسیس تیبالدز	۱۹۹۲	شهرسازی شهروندگرا	توجه به مقیاس انسانی در تمامی اجزای شهری
۳	آندره دوآنی پیتر کتز الیزابت پلاتر زیبرگ	۱۹۹۲	نوشهرسازی	کاربری مختلط، بازگشت به ساختار محلات سنتی، طراحی شهری باکیفیت
۴	الزینکا دین برنان	۲۰۰۱	منظر ایمن؛ ایجاد اجتماعات ایمن تر قابل زیست تر از طریق برنامه ریزی و طراحی	طراحی فضاهای عمومی در جهت گسترش ادراکات ایمنی و کاهش جرم و ترس از جرم

نظریه پردازان با تاکید بر تاثیرات محیطی - رفتاری

طرح موضوع سیمای شهر^۷ و معرفی عناصر پنجگانه تشکیل دهنده آن (گره، لبه، نشانه، مسیر و حوزه) توسط کوین لینچ در دهه ۱۹۶۰ همچنان با گذشت بیش از نیم قرن از جمله اثرگذارترین نظریه های ارائه شده در حوزه مسائل شهری می باشد. لینچ با طرح مباحث ادراک عمومی از محیط، استنباط شهر، تجسم و یا منظر ذهنی چشم اندازهای جدیدی را برای دیگر پژوهشگران مسائل شهری گشود. به باور لینچ، عوامل متحرک هر شهر، به ویژه انسان ها در ایجاد تصویر هر شهر مؤثرند. و از آن جایی که مردم، شهر را در ضمن حرکت احساس می کنند، این کیفیتها اساسی بوده و استفاده از آن‌ها می تواند به هویت بافت کمک کند؛ این کیفیتها به ناظر کمک می کند تا جهت و مسافت حرکت خود را معلوم دارد و در ضمن حرکت، فرم را به احساس او آورد (لینچ، ۱۳۷۴، ۱۹۶).

آموس راپاپورت از برجسته ترین نظریه پردازان علوم رفتاری است که به مسائل شهری توجه نشان داده است. او با طرح موضوع کنش متقابل انسان و محیط به نفع موقعیت انفعالی انسان در فضای شهری پرداخته و حرکت در محیط را مهمترین عامل شناخت محیط و طرح ذهنی می داند. همچنین، نکته دیگر مورد توجه راپاپورت جهت یابی^۸ در محیط شهری است. به باور او، نقاط خاص، دسترسی و کاربری عوامل سه گانه موثر بر جهت یابی هستند. عابرین پیاده در جهت یابی خود از مجموعه ای از نقاط تصمیم گیری خاص استفاده می کنند که باید مد نظر طراحان قرار گیرد، ورودیها و خروجیها و مسیرهای ویژه در بحث دسترسی مطرح هستند و کاربریها نیز از آنجاکه می توانند تمرکزی از فعالیتها را فراهم آورند، معمولاً در جهت یابی افراد موثر و قابل مطالعه اند (Ramati, 1981, 84).

گر چه موضوع جهت یابی در فضای شهری اولین بار توسط لینچ بیان گردید و بعدها توسط راپاپورت دنبال شد اما مطالعات روان شناس محیطی رومدی پاسینی که در کتاب او با نام *مسیریابی در معماری متمرکز گردیده است* نقشی بسزا در تکمیل و

گسترش این مبحث داشته است. از نظر پاسینی جهت‌یابی تنها منحصر به تشخیص مسیر آدمی در محیط مصنوع از طریق عناصر طراحی معماری و مبلمان شهری نبوده بلکه "کلیه علائم و عناصر ارتباطی گرافیکی، نشانه‌های مرتبط با عناصر فضایی ساختمانی، برنامه‌ریزی فضایی منطقی، علائم ارتباطی شنیداری، عناصر قابل لمس و تمامی مواردی که برای نیازهای ویژه کاربران فراهم می‌گردند" را نیز شامل می‌گردد (<http://en.wikipedia.org>).

از دیگر صاحب‌نظرانی که به بررسی تأثیرات روانی-ذهنی فضاهای شهری بر رفتار مردم توجه نشان داده‌اند، التمنت، هولویل، مور و همکارانش هستند که در کتاب ارزیابی سیمای شهر به بررسی چگونگی فعالیت و تصمیم‌گیری مردم در محیط‌های شهری پرداخته‌اند.

کانون اصلی پژوهش‌های جان لنگ نیز بررسی نقش علوم رفتاری در طراحی محیط می‌باشد. او در اثر خود تحت عنوان آفرینش نظریه معماری به چگونگی دریافت آدمی از فضا و عوامل محیطی تأثیرگذار بر این امر پرداخته و تصورات مردم از محیط را در واقع نوعی طرحواره ذهنی می‌داند که به رفتارها و فعالیت‌های او در عرصه عمومی شهر شکل می‌بخشد.

از میان صاحب‌نظران ایرانی شاخص‌ترین فردی که تمرکز مطالعات خود را بر روی تأثیرات محیطی-رفتاری قرار داده، حسین بحرینی است. او در کتاب تحلیل فضاهای شهری به ارزیابی کمی و کیفی الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان از خیابان-که از نظر او عنصر اصلی فرم شهر و مهمترین ابزار طراحی شهری است-، پرداخته و درصدد برآمده که با تحلیل چندین خیابان اصلی شهر تهران و بویژه رفتار عابران پیاده در آنها ضوابط مناسبی جهت طراحی ارائه نماید. به باور او، استفاده از فضا بخصوص توسط پیاده‌ها عمدتاً ریشه و منشأ فرهنگی دارد و محیط (فرم و فضا) تنها نقش کمکی و یا بازدارنده داشته و به هیچ وجه تعیین‌کننده رفتارها نمی‌باشد. بنابراین، از آنجاکه امکان هرگونه تغییر در فرهنگ و یا الگوهای رفتاری بطور مستقیم و در کوتاه مدت وجود ندارد می‌توان با استفاده از طراحی، فعالیت‌های مناسب را حمایت و فعالیت‌های نامناسب را تحدید نمود (بحرینی، ۱۳۷۵، ۴). در جدول ۶، مهمترین نظریه پردازان که در ایده‌هایشان تأکید بر تأثیرات محیطی-رفتاری شاخص بوده است، دسته‌بندی گردیده‌اند.

مأخذ: نگارنده

جدول ۶- نظریه پردازان با تأکید بر تأثیرات محیطی-رفتاری

ردیف	نظریه پرداز	سال	عنوان متن / نظریه	مفاهیم کلیدی
۱	کوبین لینچ	۱۹۶۰	سیمای شهر	گره، لبه، نشانه، مسیر و حوزه عناصر پنجگانه سازنده سیمای شهر
۲	آموس راپاپورت	۱۹۷۷	جنبه‌های انسانی فرم شهری	موقعیت غیرانفعالی انسان در مقابل محیط جهت‌یابی عابران پیاده در محیط‌های شهری
۳	رومدی پاسینی	۱۹۸۴	مسیریابی در معماری	جهت‌یابی مردم در فضای شهری و توجه به نیازهای ویژه کاربران
۴	التمنت، هولویل و مور	۱۹۸۵	ارزیابی سیمای شهر	بررسی تأثیرات روانی-ذهنی فضاهای شهر بر مردم
۵	جان لنگ	۱۹۸۷	آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)	دریافت آدمی از فضا تصورات مردم از محیط بعنوان نوعی طرحواره ذهنی
۶	حسین بحرینی	۱۹۹۶	تحلیل فضاهای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان	ارائه ضوابط مناسب طراحی با تحلیل کمی و کیفی فضای خیابان و الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان بویژه عابران پیاده

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهند که گرچه توجه به نقش و ارتقاء وضعیت فضاهای عمومی شهری از بدو پیدایش شهرها و به ویژه در طول بیش از یک سده گذشته همواره وجود داشته اما نگاه صاحب‌نظران به این موضوع از روندی یکنواخت و ثابت برخوردار نبوده و در دوران گوناگون متفاوت بوده است. به طور کلی، به نظر می‌رسد که می‌توان مهمترین رویکردهای معاصر در ارتباط با فضاهای عمومی شهری را بر مبنای گرایش غالب موضوعی (و نه زمان تقویمی نظریه‌پردازی) در سه دوره اصلی؛ پس از انقلاب صنعتی تا سال ۱۹۶۰، از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ و از ۱۹۹۰ تاکنون دسته‌بندی نمود. (جدول ۷)

بر همین اساس، مشخص می‌گردد که در دوره اول تاکید اصلی بیشتر بر ادراک فضایی و بصری و در دوره دوم بر تقویت تعاملات اجتماعی، گسترش پیاده‌مداری و تاثیرات محیطی- رفتاری فضاهای شهری بوده است. در حالی که در دوران اخیر با تثبیت نقش کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری بیشترین فعالیت‌ها و نظریه‌ها مبتنی بر ملاحظات زیست محیطی- پایداری و ایجاد امنیت و انسان‌مداری در قلمروهای عمومی می‌باشد. به عبارت دیگر، بررسی روند تحول نظریه‌ها و رویکردهای غالب در سه دوره مورد اشاره بیانگر آن است که با گذشت زمان هم به حضور انسان به عنوان عامل اصلی ایجاد پویایی و سرزندگی در فضای شهری، توجه بیشتری گردیده و هم تمرکز از ویژگی‌های کمی انسانی همچون جاذبه‌های بصری به شاخصه‌های کیفی مانند ایجاد امنیت و پایداری محیطی تغییر پیدا نموده است.

مأخذ: نگارنده

جدول ۷- خلاصه دسته‌بندی مهمترین صاحب‌نظران و رویکردهای مرتبط با فضاهای عمومی شهری

دوره زمانی	رویکرد غالب	مهمترین صاحب‌نظران
دوره اول: انقلاب صنعتی تا ۱۹۶۰	تاکید بر ادراک فضایی و بصری	کامیلوسیت، گوردون کالن، راب کریر، آلدو روسی، کریستوفر الکساندر، کلیف ماتین، علی مدنی پور، جهان‌شاه پاکزاد
دوره دوم: ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰	تاکید بر تاثیرات محیطی- رفتاری	کونین لینچ، آموس راباپورت، رومدی پاسینی، التمنت، هولویل، مور، جان لنگ، حسین بحرینی
	رویکرد تقویت تعاملات اجتماعی	حنا آرنه، پاول زوکر، جین جیکوبز، ویلیام وایت، یان گل، اولدنبرگ، کلر کوپر مارکوس
	تاکید بر حرکت در فضای شهری و گسترش پیاده‌مداری	تونی گارنیه، اشپرای رگن، لارنس هالپرین، ادموند بیکن، هیلپیر، مایکل ای آرث
دوره سوم: ۱۹۹۰ تا کنون	رویکرد ایجاد امنیت و مقیاس انسانی در فضای شهری	لوییس مامفورد، فرانسیس تیبالدز، آندره دوانی، پیتر کتز، الیزابت پلاتر زیبرگ، الزینکا، دین برنان
	ملاحظات زیست محیطی و پایداری	سرگئی چرمایف، گراهام هاگتون، کولین هانتز، هوگ بارتون، ریچارد راجرز

بی نوشتها

- 1- Serial Vision
- 2- Monumental Plaza
- 3- Third Place
- 4- Space Syntax
- 5- New Pedestrianism (NP)
- 6- Pedestrian Village
- 7- City Image
- 8- Way Finding

فهرست مراجع

- ۱- اوستروفسکی، واتسلاف، (۱۳۷۱). «شهرسازی معاصر از نخستین سرچشمه ها تا منشور آتن»، ترجمه لادن اعتضادی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، تهران.
- ۲- بحرینی، سید حسین، (۱۳۷۵). «تحلیل فضاهای شهری؛ در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده کنندگان و ضوابطی برای طراحی»، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
- ۳- بیکن، ادموند، (۱۳۷۶). «طراحی شهرها»، ترجمه فرزانه طاهری، انتشارات مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، تهران.
- ۴- پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۴). «راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران»، شرکت طرح و نشر پیام سیم، تهران.
- ۵- پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۶). «سیر اندیشه ها در شهرسازی (۲)؛ از کمیّت تا کیفیت»، شرکت عمران شهرهای جدید، چاپ اول، تهران.
- ۶- تیبالدز، فرانسیس، (۱۳۸۳). «شهرسازی شهروندگرا؛ ارتقاء عرصه های همگانی در شهرها و محیط های شهری»، ترجمه محمد احمدی نژاد، نشر خاک، چاپ اول، اصفهان.
- ۷- رضایی، محمود، (۱۳۸۳). «نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در طراحی شهری»، رساله دکترای شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- ۸- چرمایف، سرگئی ایوان، (۱۳۷۶). «عرصه های زندگی خصوصی و جمعی»، منوچهر مزینی، دانشگاه تهران، تهران.
- ۹- کلیف، ماتین، شرلی، پیتر، (۱۳۸۷). «طراحی فضاهای شهری با محوریت توسعه پایدار»، ترجمه ناریس سهرابی ملایوسف، انتشارات ثامن الحجج، چاپ اول، تهران.
- ۱۰- لیتچ، کوین، (۱۳۷۴). «سیمای شهر»، ترجمه منوچهر مزینی، دانشگاه تهران.
- ۱۱- مدنی پور، علی، (۱۳۸۷). «فضاهای عمومی و خصوصی شهر»، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری شهرداری تهران، چاپ اول، تهران.
- 12- Arendt, Hannah (1958), "The Human Condition", University of Chicago Press, Chicago.
- 13- Carmona, Matthew & Others (2003), "Places Urban Spaces", Architectural Press, Amsterdam & Others.
- 14- Cullen, Gordon (1961), "The concise Townscape", Architectural Press, London.
- 15- Gehl, Jan (1987), "Life between Building", Translated by J.Koch, NewYork.
- 16- Gosling, David (1996), "Gordon Cullen: Vision of Design", Academy Editions, Britain.
- 17- Halprin, Lawrence (1972), "Cities", The MIT Press, Massachusetts.
- 18- Hillier, B (1996), "Space is the Machine", Cambridge University Press, Cambridge.
- 19- IPA (2004), "Design Standards: A Framework for Delaware"
- 20- Jacobs, Jane (1993), "Tod und Lebengrober Amerikanischer Stadte", Verlage uhlstein GmbH, Frankfurt.
- 21- Oldenburg, R. (1999), "The Great Good Place: Cafes, Coffeeshops, bookstores, bars, hair salons and the other hangouts at the heart of a community", Marlowe and Company, NewYork.
- 22- Ramati, Raquel (1981), "How to save your own street", Carden city, Dolfin Book, NewYork.
- 23- Speiregen, Paul (1960), "The Architecture of Towns and Cities", The American Institute of Architecture.
- 24- Zucker, Paul (1970), "Town and Square; From the agora to the village Green", The MIT Press, Massachusetts.
- 25- [http://en.wikipedia.org/wiki/new_pedestrianism_\(NP\)](http://en.wikipedia.org/wiki/new_pedestrianism_(NP))
- 26- <http://en.wikipedia.org/wiki/Wayfinding>
- 27- <http://www.newurbanism.org/pages/416429/index.htm>